



می‌کنیم در واقع از قبل تعیین کرده‌ایم که چیزهایی وجود ندارد. وقتی از عدم موجودیت حرف می‌زنیم، یک پیش‌فرض و نگاهی را برای خود و مخاطب تعیین می‌کنیم. اما در مقابل وقتی به جای واژه محروم، از عبارت مناطق مستعد توسعه پذیر استفاده کنیم، دیگر پرسش این نیست که مردم چه ندارند، بلکه سؤال اصلی این است که چه چیزهایی دارند. «تغییر زبانی دقیقاً اینجاست که می‌دهد که وقتی پرسش از نداری هست، فهرستی از کمبودها ردیف می‌شود اما وقتی درباره «چه دارید» حرف می‌زنیم، طومار بلند بالایی از فرصت‌ها و استعدادها و توانایی‌ها به دست می‌آوریم.

کمک کن تا کمک کنم

حاصل پنج سال فعالیت آقا محمد رضا منجر به تهیه کتابی شد که اولین کتاب با مطالعه میدانی در حوزه فقر محرومیت است؛ پژوهشی که با مشاهده میدانی بیش از ۲ هزار منطقه در ایران همراه بود و به صورت کاملاً مستقل انجام شد؛ کتابی که در آن الگوی تازه‌ای برای کمک و توسعه معرفی شد؛ مدلی که خود آن را «کمک مابه از محور» نام نهاد؛ شیوه‌ای که در آن هر کمک و هدایی باید با مشارکت فعال مردم همراه باشد؛ در این مدل دیگر از آن شیوه‌های گذشته کمک رسانی خبری نیست. خودم وقتی که می‌خواستم برای یک روستا کتابخانه‌ای بسازم و تجهیز کنم، اهالی را توجیه می‌کردم که باید سرمایه و دارایی خودشان را هم در کار دخیل کنند. به آن‌ها فهماندم که باید خودشان موتور محرک هر نوع توسعه و پیشرفتی در منطقه‌شان باشند.»

نقطه اوج این مسیر اما، از یک تغییر زبانی آغاز شد. آنجا که حتی از لفظ «محروم» نباید استفاده کرد؛ «وقتی از واژه محروم استفاده

شکستن کلیشه‌ها یک سؤال

اثر هنری دارد؟» همه این مثال‌ها نشان می‌دهد آن چیزی که شیخ الاسلامی در همه این سال‌ها به دنبال آن بوده، تغییر زبان و به دنبال آن تغییر نگاه و در نهایت رشد فرهنگ بوده است. حالا شاید پس از قریب ده سال، با استفاده از الگوی «من محروم نیستم» جمعیت‌ها و افراد دغدغه‌مند بسیاری،

دست به کارهای عظیمی زده‌اند و برای مثال یکی از نتایج این تغییر، ایجاد شبکه منظمی از تولید و فروش صنایع دستی دختران سیستان و بلوچستان است؛ محصولاتی که به دست علاقه‌مندان این هنر در تهران می‌رسد و درآمد حاصل از این کار، مستقیماً به جیب دانش‌آموزان دختر این مناطق می‌رسد تا به خاطر مسائل مالی، از تحصیل باز نمانند.



ما فرمان را عوض کردیم، بچه‌ها خودشان را ندانند

شیخ الاسلامی در یکی از سفرهایش به بشارگرد این تغییر نگاه را عملی کرد؛ «با یک تیم فیلم برداری به بشارگرد رفتیم. بچه‌ها که جمع شدند به آن‌ها گفتیم که ما برای ساخت فیلم به اینجا آمده‌ایم. بچه‌ها شروع کردند به گفتن از محرومیت‌ها و بدبختی‌هایشان؛ از هم‌سبقت می‌گرفتند برای اظهار هر چه بیشتر نداری. ناگهان بلند شدم و به عوامل گفتم وسایل را جمع کنند و توی ماشین بگذارند تا برویم به یک روستای دیگر. به بچه‌ها گفتم به ما گفته بودند که اینجا پر از بچه‌های توانا و با استعداد است؛ ما آمده بودیم از آن‌ها فیلم بسازیم ولی انگار باید برویم جای دیگر. بچه‌ها وقتی دیدند که ما واقعاً داریم می‌رویم، شروع کردند به گفتن از آدم‌های موفق که اصالتشان به بشارگرد برمی‌گشت و به جایگاه‌های مهم اجتماعی رسیده بودند. شروع کردند به گفتن از ویژگی‌های خاص روستایشان و یکی یکی یادشان می‌آمد که مثلاً تا به حال چه اتفاقات خوبی در آنجا افتاده است و آن‌ها شاهدش بوده‌اند. فضا کاملاً عوض شد. به قولی ما فرمان را عوض کردیم اما بچه‌ها خودشان را ندانند و جلورفتند.»

اتاق فکر محله

محمد رضا شیخ الاسلامی، پدر الگوی «من محروم نیستم»، امروز نه تنها در ایران، بلکه در محافل و مجامع بین‌المللی هم این مدل از توسعه هویت محور را ارائه کرده است و بر بسط و گسترش آن همت می‌گمارد. با این حال، جوان محله راه‌آهن از فعالیت در شهر و محله خود غافل نشده و با کارآفرینی در حوزه‌های مختلف، واسطه ایجاد مشاغل متعدد برای بانوان و جوانان شده است. منزل مسکونی او در خیابان شهید هاشمی نژاد اتاقی دارد که او و همسرش نام آن را «اتاق فکر محله» گذاشته‌اند، جایی که هر کسی بتواند مهارتی آموزش دهد یا ایده‌ای برای رشد محلی داشته باشد، می‌تواند وارد آن شود. همان‌جا بوده است که بسیاری از کسب و کارهای محلی و کوچک متولد شده‌اند؛ از تولید کیف‌های زنانه حصیری با برند «کاش» توسط سیده زهرا قلندری، همسر شیخ الاسلامی که ۲۶ اسفند سال گذشته با او گفت و گو کردیم و در شهرآرامحله منتشر شد. تاراه اندازی گروه نمایش عروسکی «پخش ویلا» و کارگاه شیرینی‌پزی سلامت محور با استفاده از خرما و جنوب، حالا بیش از پنجاه نفر به صورت مستقیم از دل این شبکه توانمندسازی، نان آور خانواده خود شده‌اند.

در همه سال‌های تحقیق و پژوهش، شیخ الاسلامی بارها با مخالفت و کارشکنی‌های متعدد روبه‌رو شده است، هم از سمت و سوی کسانی که همچنان معتقد به کمک‌رسانی با شکل و شیوه گذشته بودند و هم از جانب محلی‌هایی که کار و هدف این جوان برایشان مبهم و عجیب بود. آن‌هایی که سال‌های سال به این اتفاق عادت کرده بودند که هر کسی غیر از خودشان به منطقه وارد می‌شود، باید دستش پر و ماشینش مملو از اقلام

داریم جاده جدیدی را آسفالت می‌کنیم

زهرا قلندری، کارآفرین، همسر محمد رضا شیخ الاسلامی

سال‌هاست که با آقا محمد رضا در مسیر توانمندسازی و اشتغال‌زایی فعالیت می‌کنیم. همیشه برایم مهم بوده است که نقش مؤثری در این حرکت داشته باشم، نه فقط به عنوان همراه زندگی، بلکه به عنوان یک همفکر و همدل در مسیر کاری‌اش.



ایده «کاش‌گالری» از همین دغدغه‌ها شکل گرفت؛ از این فکر که چطور می‌شود هنر بومی حصیربافی را با ذائقه امروز جامعه پیوند زد. حاصلش شد مجموعه‌ای از کیف‌های حصیری مدرن که در آن حصیر، چرم و جواهر کنار هم قرار گرفته‌اند و ترکیبی تازه و چشم‌نواز را ساخته‌اند. در کنار آن، با همراهی جمعی از بانوان توانمند به تولید شیرینی‌های خانگی سلامت محور با استفاده از خرماهای جنوب کشور می‌پردازیم.

مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی همسر، یکی اهل گفت و گو بودن است؛ او در هر شرایطی اهل شنیدن، تعامل و سازش است. ویژگی دیگرش این است که همیشه چند قدم جلوتر از زمان خودش حرکت می‌کند. نگاهش به جامعه و مسئولیتی که برای خودش قائل است، ریشه در همین آینده‌نگری دارد. زندگی با چنین آدمی هم پراز شیرینی است و هم پراز چالش. گاهی احساس می‌کنم ماد و نفر داریم برخلاف جریان معمول حرکت می‌کنیم؛ انگار داریم جاده‌ای تازه را آسفالت می‌کنیم تا بعد از ما، دیگران بتوانند راحت‌تر از آن عبور کنند. در کنار سختی‌ها، لحظه‌های شیرینی هم دارد که خستگی را از تن آدم درمی‌آورد.

کمک‌رسانی باشد. اما طراح الگوی «من محروم نیستم»، برخلاف تصور همه، نه در پی انکار فقر بود و نه به دنبال چشم‌پستن بر کمبودها. بلکه در کار دعوت به «دیدن» بود؛ دیدن هم‌زمان درد و دارایی؛ «وقتی کسی بفهمد چه چیزهایی دارد، وقتی متوجه قدر و قیمت دارایی‌های خود باشد، وقتی به این نکته پی ببرد به اندازه همان شهروند مرکز نشین حق و حقوقی در این مملکت دارد، مطالبه‌گری بیشتر و والاتری خواهد داشت. نه آنکه صرفاً با گرفتن یک بسته حمایتی یا سطحی‌ترین نوع کمک، راضی شود و کنار بکشد، بلکه برای ارتقای امکانات محل زندگی‌اش از مسئول مربوطه مطالبه‌گری می‌کند. حرف من این است که در الگوی من محروم نیستم، مطالبه‌گری بیشتر اتفاق می‌افتد، زیرا به جای گداپرووری، مظلوم‌نمایی و ترحم‌اندوزی به سراغ انتقادهای جدی می‌رویم. انتقاد از توجه نکردن به دارایی‌ها و سرمایه‌های فوق‌العاده این مناطق که هیچ‌گاه دیده نشده‌اند. اتفاقاً گلايه و یقه‌گیری از متولیان امر در اینجا بیشتر است. خلاصه اینکه در الگوی من محروم نیستم، مطالبه‌گری باید حرف اول را بزند، نه مظلوم‌نمایی.»

محمد رضا شیخ الاسلامی نماینده نسل جوان امروزی است که با برهم زدن کلیشه‌ها و به کارگیری خلاقیت و ابداع راهبردی‌های متنوع، عرصه اندیشه و عمل را به هم نزدیک می‌کند. دکتر شیخ الاسلامی حالا الگوی موفق نسل تازه‌کنشگران اجتماعی شده است که مرز میان تجربه و نظریه را از میان برداشته‌اند و برای رسیدن به آینده‌ای تلاش می‌کنند که در آن، هیچ‌کس برای دیده شدن مجبور به نمایش نداشته‌هاش نباشد.

